

مقبره‌الشعرا و سابقه تاریخی آن

مه‌ری باقری
دانشگاه تبریز

معماری در جهان اسلام همواره از زمره بارزترین و چشم‌گیرترین هنرها به شمار می‌رفته است. اهمیت برپایی عمارات و نیز جایگاه ویژه‌ای که بناهای عمومی در فرهنگ اسلامی کسب کرده‌اند موجب شده است تا علاوه بر کثرت آثار و ابنیه یادگاری در مراکز قدرت و حاکمیت، در شهر شهر و در جای جای ممالک اسلامی نیز آثار برجسته و ماندگاری پدید آید زیرا در صفحه روزگار هر که را آرزوی برجای ماندن نام می‌بود، در برپایی بنایی عظیم اهتمام می‌ورزید.

در ردیف این عمارات از جمله: مساجد، برج‌ها، قصرها، بازارها، باغ‌ها، حمام‌ها، کاروانسراها و غیره، آرامگاه‌هایی نیز ساخته شده است که برخی از آنها فردی و بعضی دیگر جمعی هستند و گاه این مقابر از چنان اهمیت و اعتباری برخوردارند که شهری بدان نام مشهور می‌شود. چنان‌چون «تربت جام» و «تربت حیدریه» و یا بخشی یا محله‌ای یا دهستانی به نام بزرگ یا بزرگانی خوانده می‌شود که در دل آن خاک خفته‌اند. و بدین ترتیب مدفن آن شخص یا اشخاص شهیر، آن آبادی را به نام خود مشهور کرده و شناسنامه‌ای گشته است برای معرفی فرهنگ و هنر و فرهنگ‌پروری آن منطقه.

یکی از این بی‌شمار آرامگاه‌های زبانزد، بنای پُراراج و مشهور «مقبره‌الشعرا» است که افزون بر اسناد مکتوب و گزارشات منشور مضبوط در دفاتر و تذکره‌ها، از یک سو حافظ یاد و آوازه نگین‌های ثمین پنهان در دلش

و از سویی دیگر، گویا و معرف جایگاه ویژه و موقع رفیع فضل و ادب و هنر در خطه آذربایجان به‌ویژه، شهر عالم‌پرور تبریز است.

«مقبرة الشعرا» که در حال حاضر به درستی نماد شهر تبریز گشته است چنان که «شهر سوخته» برای سیستان و آرامگاه‌های «بوعلی» برای همدان و «فردوسی» برای طوس و «حافظ و سعدی» برای شیراز، خاکی است که اگر سینه آن را بشکافند، بس گوهر قیمتی نهفته در آن می‌یابند. این خاک در سال‌های مدید و سده‌هایی چند، آرامگاه تن بزرگ مردانی از تبار علم و شعر و عرفان بوده است و در مدت زمانی قریب به هشتصد سال از زمان سخنندان شهیر اسدی طوسی تا پیرنازک خیال معاصر، استاد شهریار بیش از چهارصد تن از نام‌آوران این عرصه در آن آرام گرفته‌اند.

مقبرة الشعرا از دیدگاه تاریخی به منزله آینه‌ای است برای انعکاس اوضاع سیاسی و اجتماعی آذربایجان بویژه در عهد فرمانروایی اتابکان، زیرا با توجه به روی آوردن و سکنی گزیدن سخنوران و ادیبان مناطقی دیگر همچون خراسان و شیراز و شروان و دیگر نواحی به این دیار، می‌توان پی برد که در کشاکش آشوب‌ها و جریاناتی که در نواحی دیگر ایران آرامش خاطر ادیبان و عالمان را سلب می‌کرد، آذربایجان محلی امن و آرام برای نضج و رواج فضل و هنر و حمایت از سخنوران و شاعران و عالمان بوده است.

کتاب تاریخی و تذکره‌ها از «مقبرة الشعرا» با عناوین مختلفی از جمله: حظيرة القضاة، مقبرة الشعراء سرخاب و حظيرة الشعراء، یاد کرده‌اند. این مقبره بخشی از قبرستان وسیع و قدیمی سرخاب بوده است که در تواریخ و دیگر اسناد مکتوب با اسامی مزار سرخاب، خاک سرخاب و قبرستان سرخاب از آن نام رفته است. امروزه محل دقیق مزار سرخاب به‌درستی مشخص نیست.

ادیب تبریزی شادروان عزیز دولت‌آبادی که تحقیقات گسترده‌ای در باب مقبرة الشعرا به عمل آورده است متذکر می‌شود که در تبریز چهار کوی معروف بود: سرخاب، ششگلان، چرنداب و گجیل. در میان اهالی تبریز کوی سرخاب به دلیل انتساب به عارفان و عالمان و شاعران نامور، از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار بود. در این کوی، مزارات و گورستان‌های کوچک و بزرگی وجود داشت که سه مزار آن به نام‌های مزار بابا مزید، مزار بابا حسن و

مقبره‌الشعرا معروف بود. دو مزار بابا مزید و بابا حسن به عارفان و پیران تصوف اختصاص داشت و مقبره سوم که محل به خاک سپاری برخی از سخنوران و ادیبان ساکن تبریز بود و از بقاع معمور و معروف گورستان سرخاب به شمار می‌رفت، به مناسبت دفن شاعران و سخنوران نامبرداری نظیر قطران تبریزی و اسدی طوسی در آن بقعه، رفته رفته به «آرامگاه شاعران» شهرت یافت. (۱۳۴۳: ب: ۲۶۹)

این آرامگاه از قرن ششم به بعد با تدفین خاقانی شروانی شاعر شهیر آذربایجان اعتباری تازه کسب کرد و به دفن شعرا و بزرگان فضل و ادب اختصاص یافت. با به خاک سپاری شاعران و ادیبان پرآوازه دیگری همچون: ظهیرالدین فاریابی، شاهپور نیشابوری، مجیرالدین بیلقانی، فلکی شروانی، اثیرالدین اخسیکتی، ذوالفقار شروانی، شکیبی تبریزی، همام تبریزی و شعرای دیگری که بعدها در جوار ایشان آرام گرفتند، بر اعتبار و آوازه این بقعه که به آرامگاه شاعران معروف گشته بود بیش از پیش افزوده شد و از قرن هشتم هجری به بعد در منابع ادبی - تاریخی به صراحت با عنوان مقبره‌الشعرای سرخاب از آن یاد شده است. از زمره سخنوران و ادیبان دیگر سده‌های پیشین که در این مزار آرمیده‌اند می‌توان از شاعران زیر یاد کرد: حیدری تبریزی، لسانی شیرازی، خواجه عبدالرحیم خلوتی (مشهور به خلوتی تبریزی)، احمد تبریزی (مشهور به سهیلی تبریزی)، شمس سجاسی، مانی شیرازی و محمد مغربی (که در تذکره‌ها از او با نام‌های مغربی تبریزی، شمس مغربی، ملا محمد شیرین مغربی نیز یاد شده است).

کثرت شاعران و ادیبان و عارفانی که هر یک به بخشی دیگر از خاک ایران زمین تعلق دارند و در مقبره‌الشعرا مدفون‌اند، حاکی از فضای عالم و عارف‌پرور تبریز است که در آن روزگار این خطه را همانند بغداد، مقصد و مرکز حلقه‌های علم و ادب و هنر کرده بود.

بدین ترتیب، مقبره‌الشعرا که در قسمت شرقی بقعه سیدحمزه و مقبره ملاباشی و قائم مقام فراهانی واقع شده است از قرن ششم هجری با دفن خاقانی شروانی شاعر پرآوازه ایران زمین شهرتی تازه یافت و از قرن هشتم به بعد در اسناد مکتوب به عنوان یکی از بناهای معروف و معمور تبریز مذکور

افتاد.

مقبره‌الشعرا بر اثر زلزله مخرب سال ۱۱۹۴ تبریز ویران شد و از آن پس تا عصر حاضر همچنان متروک مانده بود. از سال ۱۳۴۰ تمهیداتی برای مرمت این آرامگاه فراهم گشت و به اهتمام انجمن آثار ملی از طریق مسابقه‌ای که در سال ۱۳۵۰ برای طرح بنای یادبود مقبره‌الشعرا برگزار گردید، طرح حاضر برگزیده شد و عملیات احداث این بنای یادبود آغاز گردید.

بدین‌سان، پس از گذشت قرن‌ها سکوت و فراموشی در زیر غبار تاریخ، مقبره‌الشعرا که جلوه‌گاه برهه‌ای درخشان از تاریخ ادب و هنر این مرز و بوم است، بار دیگر سر برافراشت و با آرمیدن سلطان سخن سرایان معاصر و حافظ زمانه ما شهریار شیرین بیان در این گلزار معنی، بقعه مقبره‌الشعرا منزلتی تازه و اعتباری رفیع یافت تا جایی که به عنوان شناخته‌شده‌ترین بنای تبریز، نشانی شد برای این شهر شاعرپرور و ادیب‌نواز.

در دهه‌های اخیر، اختران پرفروغ دیگری نیز در جوار شهریار، در این خاک آرمیدند و با نام و یاد خود بر ارج و اعتبار مقبره‌الشعرا بیش از پیش افزودند. از زمره ادیبان و سخنوران هم عهد شهریار که در این آرامگاه خفته‌اند می‌توان از شاعران ناموری چون آذر تبریزی^۱، آرم تبریزی^۲، جواد کناره‌چی، علی حریرچی، محمود پدیده تبریزی، میرزا طاهر خوشنویس، عزیز دولت‌آبادی، مهدی روشن ضمیر و سید یوسف نجمی (نجمی تبریزی) نام برد.

برای مطالعه بیشتر درباره این موضوع می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد:

۱ - بناکتی، ۱۳۴۸: تاریخ بناکتی. به کوشش دکتر جعفر شعار. تهران سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.

۲ - دیهیم، محمد، ۱۳۶۷: تذکره شعرای آذربایجان. ج ۲، تبریز، چاپ آذرآبادگان.

۳ - حشری تبریزی، محمدامین، ۱۳۷۱: روضه اطهار (مزارات متبرکه و

۱ - نام این شاعر ابوالقاسم مرتضوی است که به دلیل تخلصش به آذر تبریزی مشهور شده است.

۲ - نام این شاعر محمود ملماسی است. وی گذشته از شاعری به هنرهای نقاشی و خوشنویسی نیز آراسته بود. برای آگاهی بیشتر در مورد این شاعر ذوالفتون نگاه کنید به کتاب یاد یاران شادروان مهدی روشن ضمیر.

- محلّات قديمى تبريز و توابع). به تصحيح و اهتمام عزيز دولت آبادى. تبريز. انتشارات ستوده.
- ۴ - دولت آبادى، عزيز، ۱۳۷۷: سخنوران آذربايجان، چاپ اول، تبريز، انتشارات ستوده، ۱۳۴۳ الف: مقبرة الشعراى سرخاب. نشریه دانشکده ادبيات تبريز، ش ۳، س ۱۶، پایيز، ۱۳۴۳ ب: زلزله‌هاى تبريز. نشریه دانشکده ادبيات تبريز، ش ۲، س ۱۶.
- ۵ - دولت‌شاه سمرقندى، ۱۳۳۸: تذکرة الشعراء. به اهتمام محمد رمضانى. تهران، انتشارات پديده.
- ۶ - ديهيم، محمد، ۱۳۶۷: تذکرة شعراى آذربايجان. ج ۲، تبريز، چاپ آذربايجان.
- ۷ - روشن ضمير، مهدى، ۱۳۷۱: ياد ياران. تهران، انتشارات مستوفى.
- ۸ - سجادى، سيدضياءالدين، كوى سرخاب تبريز (مقبرة الشعرا).
- ۹ - صفوت، محمدعلى، ۱۳۷۶: داستان دوستان (تذکرة الشعراء و ادباء آذربايجان) به كوشش غلامرضا طباطبايى مجد، تبريز، نشر ابو.
- ۱۰ - طباطبايى تبريزى، سيدمحمد رضا: ۱۳۸۹. تاريخ اولاد الاطهار، تهران، كتابخانه موزه و مركز اسناد مجلس شوراي اسلامى.
- ۱۱ - عقيقى بخشايشى، ۱۳۷۵: مفاخر آذربايجان. چاپ اول. تبريز. نشر آذربايجان.
- ۱۲ - كارنگ، عبدالعلى، ۱۳۷۴: آثار باستانى آذربايجان (آثار و ابيئه تاريخى شهرستان تبريز).
- ۱۳ - كربلايى تبريزى، حافظ حسين: ۱۳۸۳. روضات الجنان و جنات الجنان. با تصحيح و تعليق جعفر سلطان القرايى. به اهتمام محمدامين سلطان القرايى. تبريز، انتشارات ستوده.
- ۱۴ - كسروى، احمد، ۱۳۸۶: تاريخ هجده ساله آذربايجان، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.
- ۱۵ - مدرس تبريزى، ميرزا محمدعلى، ۱۳۶۹: ريحانة الادب (شرح احوال و آثار علما، عرفا، فقها، فلاسفه، شعرا و خطاطين بزرگ اسلامى از آغاز تا عصر حاضر).

- ۱۶ - مستوفی، حمدالله، ۱۳۳۹: تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۷ - مشکور، محمدجواد. تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، بی‌جا، بی‌تاریخ.
- ۱۸ - میمنت‌نژاد، کریم، ۱۳۸۷: تاریخ و مشاهیر شتریان تبریز. به اهتمام دکتر هادی ابراهیمی سنایی، تبریز، انتشارات فن‌افزا.
- ۱۹ - مینورسکی، ۱۳۳۷: تاریخ تبریز، ترجمه عبدالعلی کارنگ، تبریز، انتشارات کتابفروشی تهران.
- ۲۰ - نادر میرزا، ۱۳۷۳: تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، به تصحیح و تحشیه غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، انتشارات ستوده.
- ۲۱ - نخجوانی، حسین، ۱۳۴۳: چهل مقاله، به کوشش یوسف خادم هاشمی‌نسب، تبریز، چاپخانه خورشید.
- ۲۲ - نیکنام لاله، ایوب و فریبرز ذوقی، ۱۳۷۴: تبریز در گذر تاریخ، تبریز انتشارات یاران.